

اسلام وزن

امت زکی یانی

وزیر نفت پیشین عربستان سعودی



ترجمہ و نگارش:

سید نسیم مرقصوی



انتشارات میثم تمار

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۸
 م پ ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفکس: ۷۷۲۲۹۸۲ (۰۲۵۱) - همراه: ۹۱۴۱۵۳۸۸۰۸
 www.m-tammar.ir

اسلام و زن

احمد زکی یمانی

- ناشر: انتشارات میثم تمار
- ترجمه و نگارش: سید ضیاء مرتضوی
- طرح جلد و صفحه‌آرا: مرتضی فتح‌اللهی
- لیئوگرافی: نویس
- چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ زیتون
- نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۵
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- بها: ۱۷۰۰ تومان
- شابک: ۹۶۴-۵۵۹۸-۹۸-۲
- کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نمایندگی‌های فروش در تهران و شهرستان‌ها

انتشارات میثم تمار - قم: خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۸، تلفن: ۷۷۲۲۹۸۲
 نشر افق - تهران: خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ نظری غربی، پلاک ۱۸۳، تلفن: ۶۶۴۰۸۱۶۱
 پخش کتاب اشجع - تهران: خ رسالت، ۲۰ متری لاهیجانی شرقی، پلاک ۱۷۶، تلفن: ۳۲۵۲۰۷۰۲
 کتابفروشی انجمن اسلامی معلمان - شهرری: خیابان حرم حضرت عبدالعظیم(ع)، تلفن: ۵۵۹۰۴۳۰۲
 کتابفروشی میثم تمار - شیراز: شاه چراغ، خ آیةالله دستغیب، کوچه مسجد فتح، تلفن: ۲۳۳۰۷۱۷
 کتابفروشی میثم تمار - مشهد: چهارراه شهید، پاساژ الفدیر، طبقه همکف، غرفه ۱۵، تلفن: ۲۲۴۷۹۱۹
 انتشارات نهجا - اراک: خ میرزای شیرازی، خ فتح شیاکو، تلفن: ۲۷۶۶۰۵۰
 فرهنگسرای مهدی - اصفهان: خ مسجد سید، پاساژ زاهدی، تلفن: ۳۳۶۱۵۷۷

فهرست مطالب

۱۳	پیش از ترجمه
۱۴	احمد زکی یمانی
۱۷	الاسلام والمرأة
۲۱	نکاتی دیگر
۲۵	پیشگفتار

بخش نخست

احکام عمومی زن مسلمان / ۲۹

۳۱	 مقدمه
----	-------------

● فصل یکم

وضع زن در دوران نبوی / ۴۵

۴۸	 [آزادی زنان در مدینه]
۵۳	 [شرکت در جهاد]
۵۷	 [حضور در عرصه دانش و سیاست]

● فصل دوم

نقش زن در دوره‌های پس از پیامبر ﷺ / ۵۹

۶۰	 [نقش زن در جهاد]
۶۴	 [نقش زن در سایر عرصه‌ها]
۶۵	 [نقش زن در عرصه سیاسی]
۶۸	 [نقش زن در عرصه ادبیات]
۶۹	 [نقش زن در علوم دینی و روایت]
۷۴	 [نقش زن در عرصه حکومت]
۷۶	 خلاصه سخن

● فصل سوم

زن در چارچوب همسری و مقایسه آن با مرد / ۷۷

۷۸	 یکم: مفهوم زن‌اشویی در اسلام
۸۱	 [ازدواج به شرط طلاق]

۸۵	دوم: ایجاد پیمان زناشویی
۸۶	اهمیت شرعی موافقت زن با ازدواج
۸۸	ازدواج با زنان اهل کتاب
۹۰	ارکان پیمان زناشویی
۹۳	مصادیق اعلان ازدواج
۹۵	سوم: همشانی و کفو بودن
۹۹	نسب:
۹۹	اسلام:
۹۹	حرفه:
۱۰۰	تنگدستی و بی‌نیازی:
۱۰۲	چهارم: شروط پیمان زناشویی
۱۰۴	پنجم: حقوق زناشویی و وظایف
۱۰۸	زدن همسر
۱۰۹	انظری تازه در مفهوم زدن
۱۱۲	کار زن برای خانه و کودکان
۱۱۴	ششم: چندهمسری
۱۱۸	[جواز به خاطر ضرورت]
۱۲۱	[خواست‌ها و برداشت‌های نادرست]
۱۲۵	[داخلت حکومت در مسئله چندهمسری]
۱۲۸	[چندهمسری در قانون یمن و مصر]
۱۳۰	هفتم: پایان بخشی به زناشویی

۱۳۵	 [طلاق سنت و طلاق بدعت]
۱۴۰	 [حق زن در طلاق]
۱۴۱	 [طلاق خلع]
۱۴۴	 [طلاق به خاطر عیب]
۱۴۵	 [شاهد گرفتن در طلاق]
۱۴۶	 [لعان]
۱۵۰	 [ازدواج موقت]
۱۵۲	 هشتم: حضانت
۱۵۳	 [مدت حق حضانت]
۱۵۴	 [شرایط مادر در حضانت]
۱۵۷	 نهم: حق زن در میراث در مقایسه با مرد
۱۶۲	 مسافرت زن
۱۶۴	 دیدگاه‌های فقها
۱۶۵	 [پیشگویی پیامبر ﷺ]
۱۶۶	 [اختلاف دیدگاه‌ها]
۱۷۱	 دهم: شهادت زن در داوری
۱۷۲	 [مقاصد شریعت]
۱۷۵	 [چگونگی گواهی زن]
۱۷۷	 [امتیاز زن در شهادت]

بخش دوم

ولایت عمومی زنان و شایستگی سیاسی آنان / ۱۷۹

مقدمه	۱۸۱
اختلاف نظر فقها	۱۸۴
● فصل نخست	
حکم ولایت عمومی زن در فقه قدیم و جدید / ۱۸۵	
دیدگاههای مخالفان و موافقان	۱۸۶
دانشگاه الازهر	۱۸۶
ابوالاعلی مودودی	۱۸۷
اسید جمال الدین اسدآبادی	۱۸۷
محمد ابوزهره	۱۸۸
محمد متولّی شعراوی	۱۸۸
عباس محمود عقّاد	۱۸۸
اختلاف نگاه فقیهان و اندیشمندان این گروه	۱۸۹
یکم: قرآن	۱۹۰
۱- ماندن در خانه‌ها:	۱۹۰
آیه تطهیر	۱۹۱
۲- سرپرستی و قوامت:	۱۹۴
دوم: سنت نبوی	۱۹۹
سوم: اجماع	۲۰۷

۲۰۷	[فعالیت سیاسی زنان در صدر اسلام]
۲۱۲	چهارم: قیاس
۲۱۳	پنجم: مصلحت
۲۱۴	ششم: سد ذرایع

● فصل دوم

وظایف سیاسی زن / ۲۱۷

۲۱۸	[توحید، خاستگاه اصل برابری]
۲۲۲	[عمومیت خطابات دینی]
۲۲۴	[شایستگی و توانایی سیاسی زن]
۲۲۷	[فقها و شایستگی سیاسی زنان]
۲۳۱	سرانجام
۲۳۳	کتابنامه

پیش از ترجمه

«احمد زکی یمانی، چهره‌ای است شناخته شده و بین‌المللی. چرا که نزدیک ۲۵ سال وزیر نفت عربستان سعودی بود. از این رو شناخت چهره وی که نخستین دبیر کل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به شمار می‌رود و در تأسیس آن مشارکت داشته، بیشتر مرهون مسئولیت سیاسی اقتصادی وی در یکی از تأثیرگذارترین کشورهای نفتی عضو اوپک است تا به عنوان یک صاحب‌نظر در مسائل اسلامی و فقهی. اما یک وجه اهمیت توجه به آثار علمی فرهنگی وی نیز همین

وجهه‌ای است که سال‌ها در آن جایگاه برای خود کسب کرده است و جالب خواهد بود بدانیم یکی از آثار علمی وی، کتاب «اسلام و زن» است که اینک ترجمه آن را پیش روی دارید.

احمد زکی یمانی

احمد زکی یمانی که ریشه‌ای یمنی دارد و متولد ۱۳۰۹ ش - ۱۹۳۰ م می‌باشد، در مکه، در خانواده‌ای که از نظر دانش و امامت جماعت و افتا و قضاوت شهرت داشته متولد شده است. در مدارس دولتی درس خوانده و همزمان نزد بسیاری از علمای مسجدالحرام، درس فقه و اصول فقه و تفسیر و حدیث و لغت را فرا گرفته است. آنگاه کارشناسی حقوق خود را در دانشکده حقوق دانشگاه قاهره گرفته است (۱۳۳۱ ش - ۱۹۵۲ م). در آنجا پیش عالمان معروفی چون «محمد ابوزهره»، «عبد الوهاب خلاف» و «علی خفیف» درس فرا گرفته است. چه اینکه در همان دانشکده، شریعت اسلامی را نیز آموزش دیده است.

وی دوره عالی حقوق بین الملل را در دانشگاه نیویورک تکمیل کرده و تخصص خود را در «حقوق مقارن» گرفته است. سپس در دانشگاه «هارفرد» درس خوانده و در سال (۱۳۳۵ ش - ۱۹۵۶ م) در رشته «مشکلات جهانی بهره‌برداری، فارغ التحصیل شده است.

زکی یمانی در کنار مباحث و سخنرانی‌هایی که در زمینه سیاست و نفت داشته برخی مباحث و آثار اسلامی را نیز حتی پیش از وزارت ارائه کرده که می‌توان به کتاب «شریعت جاودان و مشکلات عصر» و

بحث‌های عدالت اجتماعی در اسلام، و ابزارهای بازنگری فقه اسلامی، آثار فقهی اوصاف پیامبر ﷺ، و نظام سیاسی اسلامی در مقایسه با دموکراسی اشاره کرد.

وی به جز دفاتر حقوقی که دارد، اینک رئیس مرکز جهانی پژوهش‌های انرژی، رئیس مؤسسه «الفرقان للتراث الاسلامی»، و رئیس «موسوعه مکه و مدینه» است که وابسته به مؤسسه یاد شده می‌باشد.

آقای زکی‌یمانی که اخیراً مقاله او در نشریه «المدینه» سعودی دربارهٔ خطرات خود از دیدار واتیکان و ملاقات با پاپ و جمع‌آوری قرآن، سر و صدای زیادی در محافل و رسانه‌های عربی به ویژه سعودی برپا کرد و تا سر حد تکفیر توسط برخی افراتیان سعودی و حتی اعتراض شدید نویسنده معروف لبنانی «رضوان السیده»، پیش رفت، چنان که دیدگاه‌های وی در همین کتاب گواه است، از روشن‌بینی قابل توجهی برخوردار است و می‌توان وی را در جرگهٔ روشنفکران شناخته شده و البته سرمایه‌دار کنونی سرزمین حجاز به شمار آورد. اجمال سر و صدای اخیر نیز این بود که وی به دیدار خود از کتابخانه ویژه واتیکان که اختصاص به برخی نسخه‌های خطی بسیار ارزشمند دارد اشاره می‌کند، از جمله چند برگ پوستی مخطوط قرآن که متولیان کتابخانه قدمت آن را حداقل ۱۲۵۰ سال قبل می‌دانند. او ضمن اشاره به تاریخچهٔ جمع‌آوری قرآن، این گفته را نیز مطرح کرده که برخی از کاتبان اموی قرآن، هنگام جمع‌آوری آن توسط عثمان، به رغم دستور وی، برخی از برگه‌هایی را که در اختیار داشتند پیش خود نگه داشتند و از میان نبردند.

این قسمت‌ها به دست حاکمان بعدی اموی افتاد. زکی‌یمانی چنین تحلیلی را برای دستنوشته‌های قرآنی یاد شده ارائه و به این طریق انگشت اتهام را به سوی «معاویه» دراز می‌کند و همین اندک، کفایت می‌کند که شدیداً مورد حمله قرار گیرد، به این اتهام که قائل به نقص قرآن موجود شده و برخی از کاتبان وحی را - و در واقع برخی صحابه را - زیر سؤال برده است؛ و این گناه کمی نیست! البته وی بعداً توضیح داد و تأکید کرد که از مطلب وی اشتباه برداشت شده و برخی نیز به دفاع از وی پرداختند که هیچ تردیدی در کامل بودن قرآن نیست.

البته اگر جریان‌های سیاسی فرهنگی و فکری موجود در داخل سعودی و تعارض‌ها و اختلافات ریشه‌داری که به ویژه میان نجدی‌های تندرو که جریان وهابی‌گری خویش را به زور تبدیل به جریان سیاسی دینی غالب کرده‌اند، با دیگر جریان‌های موجود به ویژه جریان اصلاح‌طلبی که در چند سال اخیر در سعودی رشد یافته، مورد توجه و بررسی قرار گیرد، شاید بتوان خاستگاه ریشه‌دارتری برای چنین مشاجراتی پیدا کرد. این احتمال آنگاه تقویت می‌شود که ملاحظه کنیم دختر آقای زکی‌یمانی به نام «می‌یمانی» که در «انجمن امور بین‌المللی» وابسته به دربار انگلیس کار می‌کند، در کتابی که اخیراً به نام «حجاز، گهوارهٔ اسلام» منتشر کرده به صورتی مبسوط به نقد خاندان حاکم بر عربستان سعودی پرداخته و سقوط آن را پیش‌بینی کرده است. او که به گفتهٔ برخی رسانه‌ها از شناخته‌شده‌ترین کارشناسان جهانی در امور عربستان است و کتاب خود را نیز به پدرش تقدیم کرده و او را همراه و همدل خود

شمرده است، از جریان میانه‌رو در حجاز در گذشته و حال و لزوم آزادی جریان‌های مختلف فکری مذهبی و سیاسی و حرکت‌های اصلاح‌طلبانه حمایت کرده و جریان افراطی و انحصارطلب و زورگویی و هایت را به نقد کشیده است. کما اینکه اساساً نام بردن از عربستان به نام اصلی آن، حجاز، بار سیاسی خود را دارد و طبعاً خوشایند حاکمان سعودی نخواهد بود.

این امر هر چند نمی‌تواند دلیل بر نوع‌گرایش آقای زکی یمانی باشد، اما می‌توان آن را مؤید فاصله‌ای گرفت که از نظر فکری و فرهنگی میان وی و جریان حاکم بر سعودی و محافظ‌دینی علمی آن وجود دارد و با دست کم در سال‌های اخیر ایجاد شده است. به ویژه اگر توجه کنیم که وی کمی پیش از انتشار کتاب، در یک سخنرانی در لندن در موضوع «حق و شایستگی زنان برای دستیابی به مسئولیت‌های سیاسی و عمومی از نظر اسلام» با اشاره به وضعیت خوب زنان در ایران از این نظر، به وضعیت زنان در عربستان اشاره می‌کند و می‌گوید: «زنان در سعودی مواجه با مشکل رأی دادن و انتخابات نیستند چون خود مردان نیز نه رأی می‌دهند و نه انتخاب می‌شوند، بلکه بیشترین آرزوی زنان این است که بتوانند روزی رانندگی کنند!» و سپس در مقایسه با برخی کشورهای عربی همسایه عربستان، حکومت سعودی را مورد نقد و اشکال بیشتری قرار می‌دهد.

الاسلام و المرأة

کتاب «الاسلام و المرأة» احمد زکی یمانی که حدود یک سال از انتشار آن می‌گذرد، هسته اولیه آن به دو بحث مستقل از وی برمی‌گردد

که قبلاً ارائه کرده و حال در این کتاب، پس از بازنگری و تکمیل یکجا تقدیم علاقه‌مندان کرده‌است. این کتاب در قطع رقعی در حجم ۲۷۵ صفحه توسط «مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی» در چاپخانه‌ای که وابسته به مؤسسه سعودی در قاهره مصر است، به تاریخ ۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م برای اولین بار چاپ و منتشر شده است.

بسیاری از مباحث و دیدگاههایی که احمد زکی‌یمانی در این کتاب آورده برای خوانندگان فرهیخته ایرانی با توجه به فضای فکری فرهنگی جامعه ما که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بلند حضرت امام خمینی (قدس سره) و تلاش‌های ارزنده عالمان و فقیهان و فرهیختگان ایرانی و برخاسته از فکر و فرهنگ و فقه غنی شیعی ایجاد شده، چه بسا تازگی ندارد و جامعه اسلامی و مجامع علمی فرهنگی ما سال‌هاست از آن عبور کرده‌اند اما اینکه یک تحصیل‌کرده شناخته شده سعودی، در فضایی متفاوت و با منظومه‌ای فکری که در جای دیگر و بر اساس منابع و متونی عمدتاً متفاوت شکل گرفته، در این تلاش علمی و فرهنگی برای معرفی شخصیت زن و حمایت از حقوق وی و تأکید بر خط میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط تلاش کند، حتی اگر همه آنچه آورده تأکید بر همان‌ها باشد که پیشتر خود به آن دست یافته‌ایم، ارزش بازگویی و خواندن آن را دارد، چه رسد به اینکه نکات مفید و مستندات قابل توجهی نیز در تبیین دیدگاههای خود آورده که برای علاقه‌مندان این مباحث مفید است. البته آقای زکی‌یمانی در رده عالمان طراز نخست جهان عرب به شمار نمی‌رود ولی به نظر می‌رسد عنوان «شیخ» که حتی

از دوران وزارت بر او اطلاق می‌شد و می‌شود، بیشتر ناشی از جایگاه علمی وی می‌باشد تا جایگاه حکومتی وی، چرا که اگر در برخی کشورهای عربی خلیج فارس این عنوان بر برخی مسئولان آن اطلاق می‌شود، در دستگاه سیاسی سعودی چنین رسمی سراغ نداریم.

نکته مهم دیگر در انگیزه برگردان این کتاب این است که آقای زکی یمانی به رغم آنکه در مکه و در فضای بسته اندیشه سلفی‌گری و وهابیت رشد یافته و به رغم وابستگی که دست‌کم در مقطعی از عمر سیاسی خویش با حکومت سعودی، آن‌هم در جایگاهی مهم، داشته و به رغم موقعیتی که طبعاً اینک نیز در کار خویش برخوردار است، با روشن‌بینی مشهودی، موضوع زن در اسلام را پی گرفته و تلاش کرده از یک سو از افتادن در جریان بسته و متحجر و از سوی دیگر از گرفتار آمدن به وادادگی‌های فکری فرهنگی موجود به ویژه در موضوع زن فاصله بگیرد و در طرح دیدگاهها و ذکر مستندات به رغم اینکه یک سنی شناخته شده است از منابع شیعی نیز بهره جوید و هم با نگاهی مثبت به فقه شیعه بنگرد و حتی به برخی دیدگاههای فقهی آن دعوت کند، و هم به جایگاه و حقوقی که زن در جمهوری اسلامی ایران دارد.

این روشن‌بینی در وی اختصاص به مسائل زنان و خانواده نیافته است. وی که مسئولیت «موسوعه مکه و مدینه» را بر عهده دارد، چند ماه پیش در دانشگاه لندن بخش مطالعات شرقی در سخنرانی خود، ضمن نکوهش شدید تفکری که پیکره‌تراشی را مطلقاً حرام دانسته و تخریب حرم و ضریح را واجب، گفته است: اگر خانه‌های پیامبر ﷺ و مقبره‌های

بقیع تخریب نشده بود اکنون آثار باستانی و هنری ارزشمند و قابل مطالعه‌ای در اختیار مسلمانان و سایر علاقه‌مندان می‌بود. وی تخریب کوه‌نگاره‌های «بامیان» افغانستان توسط طالبان را نیز مصداق تفکری جاهلی شمرده و گفته است همین تفکر مانع اقدامات او در جهت شناسایی علمی محدوده بناهای قدیم مکه و مدینه شده است.

طبیعی است مراودات و ارتباطات بین‌المللی وی در روشنی و تلاش وی در نگاه نسبتاً منصفانه مؤثر باشد اما در ریشه‌یابی نوع نگاه و انصاف نسبی علمی وی می‌توان تأثیر استادی چون «محمد ابوزهره» را در مرکز توجه قرار داد. کسی که تلاش‌های علمی وی در نقد برخی منابع حدیثی اهل سنت و تقریب میان مذاهب و حتی دعوت به اخذ آرای فقهی شیعه، صدای بسیاری از هم‌ملکان خودش را در آورد. آثار ابوزهره که در برخی محافل علمی شیعه نیز مورد توجه قرار گرفته نشان از روشنی و نگاه علمی این استاد به مسائل و پرهیز برخی تعصبات مذهبی دارد. از جمله مقاله‌ای که نزدیک پنجاه سال پیش در مجله «رسالة الاسلام»، سال دهم، شماره سوم، ص ۲۴۲ به بعد، در موضوع «وحدت اسلامی» نوشته و تلاش کرده است توجه محافل علمی قانونی را به فتاوی شیعی و عمل به برخی از آنها جلب کند.

به نظر می‌رسد حضور زکی‌یمانی در مصر و شاگردی پیش اساتیدی چون محمد ابوزهره چنین تأثیر فکری را در وی گذاشته باشد.

البته خود آقای زکی‌یمانی شکل‌گیری اولیه شخصیت علمی تربیتی خود را مرهون مادر خویش می‌داند که کتاب را به او اهدا کرده و در

ستایش از او یاد آور شده که مادرش حافظ قرآن بود و تا هنگام مرگ بر تلاوت آن مداومت داشت و فقه را پیش پدر بزرگ وی، شیخ سعید یمانی، آموخت و از کودکی علاقه به عبادت و ترس از خداوند را در دل زکی یمانی کاشت و او را تشویق به فراگیری در مسجد الحرام کرد و رفتار و علاقه اش به پدر وی نمونه ای از مودت بود که خدای رحمان خواسته است. به نظر می رسد عکس کوچکی که از خانمی سالخورده در حال قرائت قرآن روی جلد کتاب آمده و شباهت به نویسنده دارد، یادکردی از همین مادر است که مورد علاقه و احترام وی می باشد.

نکاتی دیگر

افزون بر توضیحاتی که گذشت ذکر چند نکته دیگر لازم می نماید:

۱- ناگفته پیداست بازگویی کتاب ها و آثاری از این دست به هدف آشنایی با دیدگاههای مختلف و در راستای تبیین علمی مسائل زنان و رشد و توسعه مباحث و تأکید بر خط روشن بینی و اعتدال در عرصه مباحث و مسائلی است که عرصه ای برای افراط و تفریط می باشد و نه لزوماً به معنای پذیرش هر آنچه در کتاب آمده و بازگو می شود. البته همراهی با جهت گیری کلی اثر و همدلی کلی با تلاش های علمی و صادقانه ای که در جهت دفاع درست و منطقی از جایگاه و حقوق زنان صورت می گیرد، واقعیتی است که در ترجمه آثاری از این دست نمی توان نادیده گرفت.

۲- آقای احمد زکی یمانی، به عنوان یک نویسنده سنی هر چند از

برخی منابع شیعی و مبانی فقهی آن بهره جسته و خود را کاملاً محدود به منابع و مبانی اهل سنت نکرده است ولی به هر حال وی یک سنی شناخته شده است که در محیط‌های اهل سنت نیز رشد یافته و آموزش دیده و طبعاً بخش اصلی منابع پژوهشی و مورد پذیرش وی، منابع دینی هم‌کیشان خود و نظریه پردازی بر اساس مبانی علمی، فقهی، تاریخی و باورهای پذیرفته شده آنان است. طبیعی است صرف نظر از اختلاف نظرهای علمی که در نوع این مباحث وجود دارد برخی دیدگاهها یا استدلال‌ها از نظر مبانی اعتقادی یا فقهی ما جایگاهی نداشته و مورد پذیرش نباشد اما دست کم این فایده را دارد که موضوع بر اساس آن مبانی و منابع نیز بررسی و ارزیابی شده به ویژه اگر اصل مدعا مورد توافق باشد؛ مانند کار گسترده و مکرری که «شیخ طوسی»^۳ در کتاب «خلاف» کرده است. بنابراین اگر در کتاب به عنوان مثال موضوع بحث از نظر «قیاس» یا «مصلح مرسله» و «سد ذرایع» نیز ارزیابی شده بازگویی آن را باید از این منظر نگریست و نه تأیید مبنای.

۳- با این همه در ترجمه کتاب، هر چند بنای بر حاشیه زدن و خرده گیری نسبت همه دیدگاه‌های مورد اشکال نویسنده نیست، همچنان که قصد بازگویی دیدگاه فقه‌های شیعه در تمام مسائل نداریم، اما ترجمه را خالی از افزوده‌های لازم نیز نگذاشته‌ایم، چرا که پاره‌ای نکات نویسنده نیاز به توضیح یا تکمیل و تصحیح دارد و نقد برخی سخنان و دیدگاه‌های وی را نمی‌توان نادیده گرفت و طرح مبانی و دیدگاه‌های عالمان و فقیهان شیعه امری لازم است تا زمینه کمتری برای برداشت

ناقص یا ایجاد شبهه باشد. این نکات پیشتر در متن و برخی در پاورقی به عنوان افزوده مترجم آمده است. به شیوه مرسوم تمام مواردی که بین دو علامت [] آمده، چه در متن و تیر، چه در پاورقی حتی آنها که قید «مترجم» نخورده افزوده‌های مترجم می‌باشد.

۴- اصل و اندازه تجلیل از آن دسته از شخصیت‌هایی که ریشه در باورهای اعتقادی مذاهب اسلامی و طوایف مسلمین دارد، قهراً در نگاه آنان نیز متفاوت است. یک نکته در ترجمه چنین آثاری نیز لحاظ همین واقعیت است. ادب نگارش اقتضا می‌کند نویسنده بدون اینکه نقشی در اصل موضوع نگارش وی داشته باشد و یا حتی تأثیر چندانی در قضاوت خواننده نسبت به اثر داشته باشد با احترام و تجلیل از شخصیت‌های مورد علاقه و احترامش یاد کند و نام ببرد، در حالی که ممکن است خواننده یا شنونده یا مترجم و یا حتی ناقل، چنین باوری در باره آنان یا برخی از آنان نداشته باشد و خود را پای‌بند به آن نداند، و یا حتی آن را مضرب به هدف اصلی اثر بداند. از این رو در ترجمه کتاب، طبیعی بود در چنین مواردی تعبیری که هنگام نام بردن از برخی اشخاص، از سر تجلیل و تکریم افزوده شده، عیناً بازگو نشود و به همان اسامی بسنده گردد. همچنان که برخلاف رویه نویسنده کلمه «آله» را نیز در صلوات بر پیامبر اکرم افزوده‌ایم. معلوم است که این امر هیچ تأثیری در برگردان کتاب برای خوانندگان فارسی‌زبان ما ندارد. اصل این نکته هر چند امری واضح باشد ولی یادآوری آن در واقع تأکیدی بر دقت در ترجمه و بازگویی تمام متن، بدون کم و کاست است تا خواننده فرهیخته با اعتماد

لازم بحث را پی بگیرد.

۵- نویسنده پس از پیشگفتاری کوتاه در طرح انگیزه نگارش کتاب، در مقدمه‌ای مبسوط به اصل جایگاه زن در اسلام و ضرورت توجه به این مهم در شرایط کنونی و برابری به معنای درست آن پرداخته است. و پس از آن، کتاب را چنان که خود در مقدمه توضیح داده در دو بخش کلی سامان داده است؛ یکی مباحث کلی مربوط به زنان، و دیگری موضوع «ولایت عامه زن».

نویسنده بر خلاف شیوه جاری، علاوه بر ذکر مشخصات منابع مورد استفاده در جای جای کتاب، در پایان نیز به صورت کلی کتابنامه منابع خود را یکجا آورده است؛ از این رو در ترجمه نیز همین شیوه وی رعایت شد، هر چند می‌شد به همان کتابشناسی پایانی بسنده کرد. این مجموعه نخست در ده قسمت در سال‌های ۸۵-۱۳۸۴ در ماهنامه پیام زن منتشر شده است و حال با اندکی بازنگری یکجا تقدیم علاقه‌مندان می‌شود.

امید می‌رود ترجمه و افزوده‌های این کتاب برای خوانندگان محترم به ویژه خواهران و برادران اهل سنت مفید باشد و گاهی هر چند کوچک در تضارب آرا و نزدیکی دیدگاهها و بهره جستن از اندیشه‌های یکدیگر به شمار رود. ان شاء الله.

قم - سید ضیاء مرتضوی

بهار ۱۳۸۵

پیشگفتار

سپاس خداوندی را سزااست که قرآن را فرستاد و حفظ آن را بر عهده گرفت، و درود و سلام بر پیامبری که رحمتی برای جهانیان آمده و بر اهل بیت او و همه یارانش.

هجوم به اسلام شدت گرفته و این هجوم صورت های چندی و ابزار گوناگونی را بر اساس نقشه های آشکار و پنهان به کار بسته است. موضوع «زن در اسلام» پیش مهاجمان از جایگاه ویژه ای برخوردار است، با این استدلال که شریعت اسلامی ارزش زن را پایین آورده و او را متاعی

ساخته و بیشتر مانند کنیزان شده است؛ در حالی که اسلام از این نسبت به دور است. اسلام دینی است که زن را کرامت بخشد و شأن وی را بالا برد و درها را به روی او گشود و اگر برخی سنت‌ها و آداب، در برخی جوامعی که اسلام را پذیرفتند ولی برخی سنت‌های بدوی آن سنت‌ها را تقویت کرد، مانع پیشرفت زن و بهره جستن از آنچه خداوند برای وی مجاز دانسته، گشته است، این ناعادلانه است که آن را به اسلام نسبت دهیم و هر چقدر هم که این دیدگاهها منتسب به فقها باشد اما آنها اجتهادی شخصی است یا مستند به روایاتی است که بد تفسیر شده یا اسناد آن ضعیف است.

گوش‌های ما را فریادها و مجادله‌هایی تشنج‌آفرین کر می‌کند که برخی از آنها می‌خواهند انسانیت را از زن بگیرند یا وی را فقط ابزار برای خدمت و تولید مثل قرار دهند. در حالی دشمنان اسلام به دین اسلام حمله می‌کنند که با استناد به رفتارهای برخی از مسلمانان یا دیدگاههای آن گروهی که شأن زن را پایین آورده، می‌گویند این دیدگاهها و رفتارها در واقع نمای حقیقی دین اسلام است. دسته‌ای سوم نیز وجود دارند که می‌خواهند زن مسلمان را نسخه‌ای طبق نسخه زن غربی قرار دهند که از تمام سنت‌های جوشیده از ارزش‌های اسلامی جدا شده است.

در میان این فضاها دردآور و صداها ناراحت‌کننده، خودم را ناچار به مشارکت در بیان آنچه حق می‌دانم یافتم. مشارکتی که بر دیدگاههای فقیهان و عالمان شناخته شده در حکمت و فقه درست، تکیه

دارد. با این تلاش که چهره حقیقی آنچه را اسلام برای زن مسلمان، پیش از عادت‌های «من درآوردی» و آداب و رسوم قومی، مقرر ساخته ترسیم کنم؛ چهره‌ای که در پیش شخصیت‌های نامدار با نشانه‌های عظمت و والایی، برآمده و معرفی شده است.

بیشتر برای مؤسسه «الفرقان للتراث الاسلامی» دو بحث در باره زن در اسلام ارائه کرده بودم، یکی در باره تساوی زن با مرد، به مناسبت همایش «حقوق انسان در اسلام» - در تاریخ ۱۰ محرم سال ۱۴۲۰ هـ ق برابر با ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۹ م -، و دیگری در باره شایستگی زن برای سیاست یا حق وی در ولایت عمومی. و بحثی را نیز در همین موضوع در تاریخ ۱۳ ربیع الاول سال ۱۴۲۲ هـ ق برابر با ۵ ژوئن سال ۲۰۰۱ م ارائه کرده بودم. در زمینه کنکاش در باره زن و احکام وی در فقه اسلامی مناسب دیدم که این دو بحث را در هم بیامیزم تا هسته اولیه یک کتاب شود، البته با برخی اصلاحات لازم تا برای عموم خوانندگان که در فقه و پژوهش‌های اسلامی تخصصی ندارند قابل خواندن و درک شود.

کتاب را به دو بخش تقسیم کردم: بخش اول به احکام عمومی زن مسلمان و برابری او با مرد در میزان اسلام مربوط می‌شود، و بخش دیگر به شایستگی وی برای سیاست یا آنچه که به عنوان «ولایت عامه» برای زن می‌نامیم تعلق دارد. و برای هر دو فصل مقدمه‌ای در این دو موضوع قرار دادم.

من پیشاپیش می‌دانم که کتابم از طرف برخی پذیرفته می‌شود و از سوی برخی گروه‌هایی که هر چیزی مخالف نظرشان باشد نمی‌پذیرند،

مورد انکار و هجوم قرار می‌گیرد. البته ادعا نمی‌کنم هر آنچه نوشته و تقدیم کرده‌ام درست است. بیشتر آنچه نوشته‌ام نقل دیدگاههای عالمان بزرگ و محترم و فقهای است دارای قدر و منزلت. از خداوند تعالی می‌خواهم که این کارم را خالص برای خودش قرار دهد؛ این آن چیزی است که خواستار آنم و پاداش آن را از او می‌طلبم.

احمد زکی یمانی